

مفاهیم اجتماعی کتاب‌های درسی

دکتر لطیف عیوضی

مسئول گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی



ما در درک «مفاهیم علوم اجتماعی» است. مفاهیم علوم اجتماعی ماهیتاً در دایره علوم عملی می‌گنجد ولی نادیده انگاشتن مرزهای میان دانش‌های نظری و دانش‌های عملی به سیال شدن مرزهای دانش علمی و عمومی منجر شده و همین امر تا حدود زیادی بی‌اعتباری هرگونه دانش موثقی را در پی داشته است.

معمولاً از گوشه و کنار شنیده می‌شود که مفاهیم علوم طبیعی و فلسفی از مفاهیم علوم اجتماعی پیچیده‌ترند و فهم آن‌ها دشوارتر است. حتی بالاتر از شنیده‌ها، گویی این برداشت از بدیهیات زمانه است. متأسفانه سازوکارهای هدایت تحصیلی در جامعه نیز بر همین اساس استعدادهای به ظاهر ضعیف‌تر را راهی علوم انسانی و اجتماعی می‌کنند. آشکار است که «مفاهیم علوم اجتماعی»، نه تماماً شبیه مفاهیم علوم طبیعی‌اند و نه تماماً شبیه مفاهیم فلسفی‌اند؛ اگرچه اشتراکاتی با هر دو دسته دارند. این امر بر پیچیدگی این نوع مفاهیم می‌افزاید. مفاهیم فلسفی بر ساختن ذهن بشری هستند و اگرچه مصداق خارجی دارند و از جهان عینی حکایت می‌کنند، به هیچ‌وجه ما به‌زای تجربی ندارند. در حالی که مفاهیم علوم اجتماعی اگرچه ساخته‌های ذهنی‌اند ولی مدعی آن هستند که همانند مفاهیم علوم طبیعی ما به‌زای تجربی دارند. مفاهیم علوم اجتماعی یک پا در ذهن و پایسی در تجربه دارند و در آمد و شد میان اذهان اندیشمندان اجتماعی و واقعیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. این پیچیدگی را وقتی بهتر درمی‌یابیم که سهم ذهنیت و واقعیت‌های اجتماعی در ساختن و پرداختن «مفاهیم اجتماعی» را به‌صورت ساختاری و پارادایمی در یابیم. نقش تنوعات تاریخی و فرهنگی در این زمینه بسیار تعیین‌کننده است. یکی از دلایل تنوع و تکثر مفاهیم علوم اجتماعی همین موضوع است و اگر به چپستی و چگونگی

می‌دانیم که «علم تجربی»، به اصطلاح رایج امروز، مدعی است که از دو عنصر اساسی «مفهوم» و «تجربه» تشکیل شده است. مفاهیم، عناصر اساسی اندیشه‌ها هستند و اولین پیش‌شرط شکل‌گیری هر حوزه دانشی توافق بر سر مفاهیم پایه است. «مفاهیم، عناصر مجردی هستند که نماینده انواع پدیده‌های درون یک حوزه مطالعاتی‌اند (ببی، ۱۳۸۱: ۱۲۰). مفهوم یک مشترک لفظی است و دو معنی دارد: ۱. «معقول»، در مقابل «صورت»، که همیشه کلی است و بر مصادیق کثیری دلالت می‌کند، و ۲. «تصور» که می‌تواند جزئی یا کلی باشد. (مصباح، ۱۳۶۷) در یک دسته‌بندی عمومی، مفاهیم کلی را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

- ۱ مفاهیم اعتباری در علوم اجتماعی (مانند مالکیت، ریاست، همسرگزینی و...)
- ۲ مفاهیم ارزشی در اخلاق (مانند عدل و ظلم، خوب و بد و...)
- ۳ مفاهیم ماهوی در علوم طبیعی (مانند حرارت، پروتوپلاسم، درخت و...)
- ۴ مفاهیم ثانویه فلسفی (مانند علت و معلول، ضرورت و...)
- ۵ مفاهیم ثانویه منطقی (کلی و قضیه)

دو دسته اول در دایره دانش‌های عملی و سه دسته آخر در دایره دانش‌های نظری قرار دارند. مفاهیم اجتماعی در شمار دانش‌های عملی قرار می‌گیرند. باید دید وقتی علوم اجتماعی در شمار علوم تجربی پنداشته می‌شوند، مفاهیم آن‌ها چه وضعیتی می‌یابند. وقتی علوم اجتماعی از دایره دانش‌های عملی خارج می‌شوند و در کسوت دانش‌های نظری درمی‌آیند، مفاهیم آن‌ها به کدام دسته از مفاهیم بالا شبیه می‌شوند؟ بی‌شک همین امر یکی از دلایل سردرگمی



بیشتر مفاهیمی که در علوم اجتماعی با آن‌ها سروکار داریم، مفاهیم تبیینی یا نظریه‌ای هستند. حتی بسیاری از مفاهیم پایه و مشترک علوم اجتماعی نیز، در نظریه‌های مختلف معانی گوناگون و متفاوتی می‌یابند. اصولاً «نظم‌بخشی علمی، مستلزم آن است که با اصول نظری میان مفاهیم علمی، پیوندهای گوناگونی برقرار کنیم. بنابراین مفاهیم، گره‌های شبکه‌های هم‌بستگی‌های علمی و اصول نظری، رشته‌های این شبکه‌ها» (همپل: ۱۱۶). «درک مفاهیم علمی و استفاده درست از آن‌ها مستلزم شناسایی نقش نظم‌بخش این مفاهیم است. این نقش را اصول نظری که میدان عمل هر مفهوم است و آن را با مفاهیم نظری دیگر پیوند می‌دهد، تعیین می‌کند (همان: ۱۲۱). بنابراین، نظریه چیزی بیش از ترکیب مفاهیم است. به نظر می‌رسد درک رابطه مفهوم و نظریه، همان فهم رابطه جزء و کل با تمام راز و رمزهای آن است. اینکه کل بزرگ‌تر از جزء است، از بدیهیات ذهن بشری است ولی اینکه این دو را چگونه در ارتباط با هم درک کنیم، از معماهای معرفت بشری است. از این روست که «در تحقیق علمی، مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی باید پایه‌ای هم پیش بروند» (همان: ۱۱۹).

بنابراین تعدد نظریه‌ها، رویکردهای نظری و پارادایم‌های علوم اجتماعی یکی دیگر از دلایل تنوع مفاهیم در علوم اجتماعی و پیچیدگی آن‌ها و سردرگمی کسانی است که با این مفاهیم سروکار پیدا می‌کنند. بنا داریم که اگر فرصتی پیش آید، شرح و تفصیل پاره‌ای از مفاهیم اساسی کتاب‌های علوم اجتماعی دوره متوسطه را با همکاران ارجمند در میان بگذاریم؛ زیرا تجزیه و تحلیل مفاهیم کلیدی کتاب‌ها راهی برای عمق بخشیدن به درک ما از پارادایم‌های موجود در علوم اجتماعی و زمینه‌ساز مواجهه فعال ما برای استفاده از ظرفیت‌های متفاوت آن‌ها در بررسی پدیده‌های اجتماعی است. امیدوارم در شماره‌های آتی پاره‌ای از این مفاهیم را واریسی کنیم.

این دسته از مفاهیم واقف نباشیم، از فهم درست آن‌ها بازمی‌مانیم.

مفاهیم موجود در علوم اجتماعی سه دسته‌اند:

۱ مفاهیم مشاهده‌ای: این دسته، نام‌ها یا برچسب‌های رویدادها یا وقایع برای استفاده مفهومی از آن‌ها هستند. مفاهیم مشاهده‌ای همان کار توصیف را انجام می‌دهند؛ مثل مفهوم شخص در این عبارت: «این شخص صد هزار دلار دارد.»

۲ ساخته‌ها: ساخته‌ها به اشیای قابل مشاهده اشاره دارند ولی اسامی آن اشیای نیستند؛ مانند مفهوم «نقش اجتماعی» فرد در جامعه. در واقع، از مشاهده نقش فرد صحبت می‌شود ولی مشاهده مجموعه رفتار فرد رؤیت نقش او نیست. همچنین مفهوم «جامعه» هر چند واقعی است، دیدنی نیست. ساخته‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اولیه و تمثیلی. ریشه اولیه در مشاهده‌ای است که به طور مستقیم با ساخته پیوند دارد؛ مانند مفهوم «جامعه» که به رفتارهای افرادی که قابل مشاهده‌اند، اشاره دارد. دومی مانند مفهوم «نیرو» است که در علم فیزیک مفهومی اولیه است ولی در جامعه‌شناسی، هر چند از آن بسیار استفاده می‌شود، مفهومی تمثیلی است؛ زیرا هیچ چیز قابل مشاهده‌ای وجود ندارد که بتوان براساس آن ساخته «نیروی اجتماعی» را به وجود آورد.

۳ مفاهیم تبیینی: مرجع این مفاهیم، نظریه‌ها هستند. نظریه شبکه‌ای از مفاهیم و فرایندهایی است که یک تبیین را می‌سازد؛ مانند اصطلاح «خلاق پروتستانی» در نظریه ماکس وبر و یا «خود» و «فراخود» در اندیشه فروید. به اجمال می‌توان گفت: «مفهوم مشاهده‌ای» مستقیماً به مشاهده برمی‌گردد، «ساخته‌ها» به طور غیرمستقیم ریشه در مشاهده دارند ولی «مفاهیم تبیینی» برخلاف این دو، ریشه در خود نظریه دارند.

- منابع
۱. اسکیدمور، ویلیام. تفکر نظری در جامعه‌شناسی. ترجمه حاضری و دیگران. تهران: نشر سفیر. ۱۳۷۲.
 ۲. بیبی، ازل. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت. ۱۳۸۱.
 ۳. شریعتمداری، علی. فلسفه. چاپ هشتم. تهران: نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۹.
 ۴. همپل، کارل. فلسفه علوم طبیعی. ترجمه حسین معصومی‌همدانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹.
 ۵. مصباح، آموزش فلسفه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی مرکز چاپ و نشر. ۱۳۶۷.